روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

دوشنبه | ۱۴ آذر ۱۴۰۱ | ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ | ۵ دسامبر ۲۰۲۲ | سال پانزدهم | شماره ۳۶۴۵ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۴ سال و ۶۱ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.15 | NO.3645 | MON.DEC.05, 2022 | ISSN:2008-2886

خود را برای هرچه بهتر ساختن ایران آماده کنید

پاسخ رهبر انقلاب به نامه دانش‌آموزان

صفحه ۲

مقاومت فلسطین «ایتمار بن‌گویر» وزیر آتی تندرو رژیم صهیونیستی را تهدید به هلاکت کرد

بن‌گویر یا بن‌گور!

صفحه ۷

سخنگوی فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق اعلام کرد نیروهای نظامی این کشور کنترل خط صفر مرزی با ایران در منطقه اقلیم کردستان را در دست گرفتند

مرزهای بدون تروریست

صفحه ۲

ترامپ با استناد به افشاگری ایلان ماسک درباره نقش‌آفرینی توئیتر در انتخابات ۲۰۲۰ بار دیگر تقلب در آن انتخابات را تکرار کرد و خواستار تعلیق قانون اساسی آمریکا شد

اجل معلق آمریکا

صفحه ۷

خداحافظ آمریکا، خداحافظ خلیفه

خبر

شروین طاهری، ورزشگاه خلیفه دوحه: ساعت ۴:۳۰ عصر شنبه، یک ساعت و نیم پیش از آغاز نخستین مسابقه مرحله حذفی جام‌جهانی ۲۰۲۲ که وارد محیط ورزشگاه خلیفه دوحه می‌شوم، بغض گلویم را می‌فشارد. قطعا بغض تنهایی نیست، حتی اگر فدراسیون فوتبال کشورت توی خبرنگار را مثل زباله در کشور غریب جا گذاشته باشد. واقعیت این است که برای نخستین‌بار چنین حسی قبل از آغاز یک مسابقه ورزشی سراغم می‌آید. حس معمول در چنین مواقعی همیشه پی‌رنگی از سرخوشی آمیخته با هیجان برای مسابقات عادی یا کنجکاوی آمیخته با دلشوره برای بازی‌های مهم است. حتی پیش از مصاف‌های نادر، تاریخی و سرنوشت‌ساز مثل آنچه سه‌شنبه پیش در مقابل آمریکا شاهدش بودیم، رگه‌هایی از خشم و انتقام‌جویی نیز ممکن است در حال و هوای حرفه‌ای‌ترین گزارشگران و گزارش‌نویسان فوتبال یافت شود. همه اینها طبیعی است؛ همه جز بغض!

شمایی که فوتبالی‌ترید و ورزشگاه خلیفه - یا به طور کامل‌تر حمد بن خلیفه- را جا آورده‌اید، حتما با یک روانشناسی سردستی، دلیل بغض آن روزم را بازگشت به محل داغدار شدن تشخیص داده‌اید. بله! واقعیت این است که عصر شنبه همچنان که از حاشیه مرکز ورزشی مشهور اسپایر در محله الریان در حومه غربی پایتخت قطر به سمت ورودی قدیمی‌ترین ورزشگاه ملی این کشور پیش می‌رفتم، خاطرات ۶تایی شدن دوشنبه ۲ هفته پیش در مقابل انگلیس جلوی چشمم رژه می‌رفت. با این حال آن شکست با همه دردناک بودن و حیثیتی بودنش، انگار خیلی دورتر از ۳۰ آبان همین پاییز به وقوع پیوسته. انگار آن ۶ گل خیلی وقت است به تاریخ پیوسته و اصلا ۴ روز بعد از آن با نخستین پیروزی اروپایی و بریتانیایی ایران در جام‌جهانی مقابل ولز، در اعماق تاریخ دفن شده است.

اتفاقا تصور خودم این است که اگر این بغض کذایی می‌ترکید و به حرف درمی‌آمد، خود را متولد لحظه بی‌بدیل گل تاریخی روزبه چشمی به «دنی وارد» معرفی می‌کرد؛ دروازه‌بان نگون‌بخت ولزی که شرط می‌بندم هیچ‌کدام‌تان اسمش را به یاد نداشتید. آن شلیک معجزه‌آسا شاید به توان چیپ سرشار از اعتماد به نفس رامین رضاییان که دومین گل دیرهنگام ما در بهترین مسابقه تاریخ فوتبال‌مان را رویاند، خواسته یا ناخواسته ما را طوری به عرش برد که از منظر اکنون، فرش شدن یوزها کف ورزشگاه الثمامه پس از آن باخت مفت به یانکی‌ها، بسیار محتوم به نظر می‌رسد. آنطور که ما ارتفاع گرفته بودیم، ترس از ادامه پرواز سرنوشتی جز سقوط نداشت.

این بغض اما در عین اینکه نمی‌ترکد، فرو هم نمی‌رود و یادآوری می‌کند ما الان باید اینجا می‌بودیم؛ لاله‌های سرخ در مقابل لاله‌های نارنجی. اینجا می‌بودیم تا نخستین حضور فوتبال ملی‌مان را در مرحله حذفی (یک‌هشتم نهایی جام جهانی) تجربه می‌کردیم، اگر و فقط اگر خودمان بودیم؛ ۱۰۰ درصد ایرانی و نه هر جور دیگری، حتی شبیه رویاهای کارلوس کی‌روش که معلوم نیست چه وقت قرار است تعبیر شود.

بغض می‌گوید ما باید اینجا می‌بودیم تا انتقام پرگل‌ترین شکست‌های‌مان در جام‌جهانی را می‌گرفتیم. انتقام باخت ۳ بر صفر جام ۱۹۷۸ آرژانتین از هلند و انتقام باخت ۶ گله قطر ۲۰۲۲ از خود ورزشگاه خلیفه.

از آن بالاتر ما باید اینجا در جمع ۱۶ تیم برتر جام جهانی، موقعیت جدیدمان در جهانی جدید را مزه مزه می‌کردیم. چه سود که یک مربی ۷۰ ساله پرتغالی، به جای آنکه با رویاپردازی ما برای آینده همزادپنداری کند، خودخواهانه سر در گرو عقده‌های محقق نشده قدیمی خود داشت؛ همان عقده‌هایی که او را وامی‌داشت در رئال کهکشانی، بزرگ‌ترین ستاره‌های دنیای فوتبال را به جای بازی زیبا به کار گل بگیرد تا خودش چهره اول تیم به نظر برسد؛ همان عقده‌های شکست خورده ۲ دهه اخیر زندگی او به عنوان یک رئیس و سرمربی - و نه یک دستیار یا مدرس - که از منچستر تا مادرید و از بوگوتا تا قاهره تلنبار شده است. در عوض در این یک دهه، تهران تنها جایی بوده که نام او را زنده نگاه داشته است.

ما بعد از بردن ولز مجهز به بیل، هر قدر هم که تمام شده باشد، حتی نیازی به صرف آن فعل مشهور خواستن نداشتیم. در واقع کافی بود فعل نخواستن را صرف نکنیم. کی‌روش اما مثل اغلب دوران مربیگری‌اش، به جای کار بهتر، کار سخت‌تر را انتخاب کرد؛ دفاع مقابل آمریکا برای کسب یک تساوی ظاهرا منطقی بود اما همه می‌دانستیم پای این منطق ترس‌آلود چوبین است.

پا پس کشیدن از ابتدا جلوی آمریکا معنایی نداشت جز اینکه کی‌روش در اگوی خودخواهی خودش گم شده و برایش مهم نیست این مصاف چه معنایی برای هر ۲ طرف دارد.

اگر در هشتم آذر تاریخی ملبورن، ما با تساوی کشاندن بازی باخته، طعم پیروزی را مقابل استرالیا چشیدیم، در هشتم آذر دوحه، گویی به دنبال آن بودیم یک بازی مقابل تیمی از پیش‌باخته را به تساوی بکشانیم تا دست آخر همه چیز را ببازیم.

تیم کی‌روش در مقابل آمریکایی بچه‌سال و بسیار میان‌مایه عقب نشست و به مهدکودک برهالتر اجازه دادیم در مقابل سپاه باتجربه ایرانی جسارت پیدا کند. در واقع نیمه مربیان ایران- آمریکا نیمه اول بازی بود که همتای آمریکایی کی‌روش آن را برد و معکوس شدن جریان بازی در نیمه دوم به نفع ایران، فقط یک شکست مضاعف برای سرمربی ما و شناخت و رویکرد اشتباهش به همراه داشت و البته بغضی شد برای هر ایرانی.

■ خط و نشان آمریکایی برای جام جهانی

در آخرین وعده جام‌جهانی ۲۰۲۲ با ورزشگاه پیر قطر وارد الخلیفه می‌شویم. برخلاف زمهریری که سامانه خنک‌کننده روی سکوها به پا کرده، معرکه وسط زمین خیلی زود داغ می‌شود.

برهالتر و بعضی از شاگردانش که زمانی در فوتبال هلند کار کرده‌اند، همان‌طور که از کنفرانس خبری قبل مسابقه‌شان معلوم بود، می‌خواهند چیزهای زیادی را به لاله‌های نارنجی رقیب ثابت کنند، حتی به قیمت بازی خوردن و باختن. کسی هم آنها را به خاطر باختن همراه با بازی شجاعانه‌شان ملامت نمی‌کند. شجاعت خصیصه‌ای است که همه جا مورد تحسین قرار می‌گیرد؛ چه ایرانی باشی، چه آمریکایی.

آمریکایی که در مرحله گروهی حربه‌اش ضدحمله بود، خیلی زود دقیقه ۱۰ اسیر ضدحمله هلندی‌ها می‌شود و دیپای به‌سادگی دروازه تیمی را باز می‌کند که به سخت گل خوردن شهره بود. خبرنگار هلندی کنار دستم با به کار بردن بیشترین «خ» ممکن با طعنه می‌گوید: آمریکا بازی می‌کند و هلند گل می‌زند!

خودباختگی مربی یانکی‌ها در مقابل استاد هلندی، لوییس فان‌خال که از قبل لو رفته بود، حالا در جریان بازی نمایان می‌شود. با وجود اکثریت داشتن طرفداران تیم آمریکا در الخلیفه اما جو مسابقه به وضوح دوستانه است، هر چند تم نارنجی دیواره‌های بالایی این ورزشگاه، کاملا با پیراهن هلندی‌ها هماهنگ است. قطعا این یک نبرد سیاسی- ورزشی مثل ایران-آمریکا نیست. شاید بتوان گفت سکوهای خلیفه، شاهد یکی از آرام‌ترین شب‌های جام بیست و دوم است. در چنین فضای سبکی، فان‌خال هیچ نیازی به یک بازی حماسی ندارد. برخلاف ایران کی‌روش که بهترین ستاره‌هایش در خط حمله بودند، فان‌خال بهترین مجموعه دفاعی جام ۲۰۲۲ را در اختیار دارد.

تیم او به شکل کاملا منطقی و اقتصادی، میل به خودنمایی بچه‌های برهالتر را با یک فوتبال کاملا سرد و منطقی شبیه شطرنج پاسخ می‌دهد که در آن استاد هلندی در همان نیمه اول حریف آمریکایی‌اش را با ۲ گل مات می‌کند. کاپیتان هلند در قلب دفاع ۵ نفره آن قرار گرفته؛ ویرجیل فان‌دایک. جلوی او فرانکی دی‌یونگ یکی از بهترین هافبک‌های دفاعی دنیا بازی می‌کند. در سمت راست و چپ این مجموعه دفاعی مستحکم هم ۲ بال دفاعی فوق‌العاده، دنی بلیند و دنزل دامفرایز حضور دارند که حتی گل‌های دوم و سوم تیم‌شان را می‌زنند و دامفرایز در انتها بهترین بازیکن زمین انتخاب می‌شود.

تیم ساکر جسور اما میان‌مایه آمریکا در حالی حذف می‌شود که نتوانسته هیچ‌یک از ۳ حریف اروپایی‌اش را در قطر شکست دهد. آنها تنها بردشان را مدیون ترس بی‌موقع سرمربی حریف‌شان هستند. یانکی‌های جوان راه زیادی تا تبدیل شدن به یک قدرت دارند. به قول دکتر پاریک پاتل، دانشمند برجسته هندی آمریکایی‌ها در قطر ۲۰۲۲ برای نخستین‌بار بر سر موضوعی جز نفت با قدرت منطقه یعنی ایران جنگیدند و آن خود فوتبال بود. حال در شرایطی که آنها به کشورشان بازمی‌گردند تا ۴ سال دیگر جام‌جهانی ۲۰۲۶ را میزبانی کنند، از همین حالا نه فقط تقابل ساکر یانکی‌ها و فوتبال محبوب جهان، بلکه دخالت سیاسی واشنگتن در ورزش مایه نگرانی ملت‌های صاحب فوتبال شده است. نیم قرن قبل هنری کیسینجر، وزیر خارجه دولت نیکسون گفته بود آمریکا باید در فوتبال هم تبدیل به یک ابرقدرت شود. سیاست‌گذاران آمریکایی از آن زمان راه زیادی برای تحقق رویای برتری در آخرین آوردگاه جهانی‌سازی پیموده‌اند ولی هنوز به هدف‌شان نرسیده‌اند. این آمریکای در حال افول با آنکه فوتبالی متفاوت (راگبی) دارد اما حالا به فوتبال بین‌المللی خیلی بیشتر از دوران اوجش نیاز دارد و بعید نیست به هر وسیله‌ای برای بهره‌برداری سیاسی از جام ۲۰۲۶ و تبدیل آن از آوردگاه فوتبال به تحریم‌گاه فوتبال متوسل شود. آیا باید از همین حالا از جام ۲۰۲۶ آمریکا و همسایگانش قطع امید کرد؟

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz

تیترهای امروز

برف و باران در ۲۱ استان کشور فعالیت سامانه بارشی تا پایان هفته ادامه دارد

ایران سفیدپوش

■ تداوم بارندگی و کاهش دما در تهران

صفحه ۴

۲ توله یوزپلنگ ماده پیدا شده در توران و امیدها برای افزایش نسل یوزپلنگ ایرانی

پیروز و احتمال ازدواجش

صفحه ۴

۳ بندر جدید به مقاصد صادراتی ناوگان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در روسیه اضافه شد

تجارت روی عرشه

■ شروع ترانزیت ریلی کالا از شرق روسیه به بندرعباس و هند

صفحه ۳

تبیین سناریوی جنگ داخلی و تقویت گفتمان ملی می‌تواند به تضعیف جریان‌های تروریستی و ویرانی‌طلبان منتهی شود

فرمول مقابله با تروریسم

■ کشف ۳ هزار قبضه سلاح جنگی در لرستان

صفحات ۲و۵

دیدگاه

متهمان اصلی نقض حقوق بشر

دکتر محمدحسن آصفری*:

مقامات برخی کشورها مدعی هستند در جمهوری اسلامی حقوق بشر نادیده گرفته می‌شود که این ادعا نشان از عدم شناخت آنها نسبت به ایران و همچنین گویای سیاست‌های فتنه‌انگیزانه آنها علیه کشورمان است، چرا که امروز بر هر کسی روشن است یکی از افتخارات ایران این است که در هر دوره، انتخابات بزرگی در کشور برای تعیین رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، اعضای مجلس خبرگان رهبری و شوراهای شهر و روستا برگزار می‌شود و همین امر نشان‌دهنده نقش کلیدی مردم در تعیین سرنوشت کشور و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف است.

نمونه دیگری که نشان‌دهنده تبلور حقوق بشر در ایران است، زندگی مسالمت‌آمیز ادیان مختلف در کشور است. امروز تمام ادیان و مذاهب در مجلس، شوراها و همه مجموعه‌ها نماینده دارند و نظرات آنها در تصمیم‌گیری‌های مختلف دخیل است.

برخی کشورها که از نظر آمریکایی‌ها با وجود عدم برگزاری حتی یک انتخابات در تاریخ‌شان، دارای دموکراسی(!) هستند تا سال‌های اخیر به زنان اجازه حضور در عرصه‌های اجتماعی را نمی‌دادند به گونه‌ای که زنان حتی از رانندگی در سطح شهر هم محروم بودند اما شواهد در ایران گویاست تا چه حد به حقوق زنان در کشور ارج نهاده می‌شود.

حقوق بشر در زندان‌های ایران نیز تحقق یافته است. امروز به یک زندانی که طبق حکم دادگاه بناست مدتی طولانی در زندان حضور داشته باشد، اجازه کار داده می‌شود و به‌رغم اینکه زندانی و محکوم است اما دستمزدی در اختیار این زندانی و خانواده‌اش قرار می‌گیرد.

۱- اینکه آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها مدام مطرح می‌کنند حقوق بشر در ایران رعایت نمی‌شود، جنبه سیاسی دارد تا اینکه قانونی، فنی و در راستای چارچوب مسائل حقوق بشری باشد.

۲- آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها از موضوعات مختلف به عنوان اهرم فشار علیه کشورها استفاده می‌کنند تا بلکه از این طریق بتوانند سیاست‌های خصمانه خود را پیاده کنند و هر کشوری مانند ایران را که در مقابل آنها می‌ایستد با مسائل پرطرفداری مثل حقوق بشر یا مبارزه با تروریسم تهدید می‌کنند تا به اهداف خود دست یابند.

۳- آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها ایران را به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند در صورتی که امروز در این کشورها بالغ بر ۲۵ میلیون نفر کارتن‌خواب یا زیر خط فقر هستند و در زندگی مشکلات بسیار جدی دارند.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

نقش کانال‌ها و میکرورسانه‌های اصلاح‌طلب در بازتولید گفتمان آشوب

اصلاحات آشوب‌طلبانه!

امیر فرشباف: رخدادها و حوادث کوچک یا بزرگ، محمل‌هایی هستند که می‌توانند تبدیل به ناآرامی و آشوب شوند و در این میان این رسانه‌ها هستند که با استفاده از شیوه‌ها و تکنیک‌های مدرن مدیریت افکار، بستر تبدیل عملیات روانی به عملیات میدانی را فراهم می‌کنند. اتفاقات و ناآرامی‌های اخیر در کشور، محصول همین فرآیندی است که در آن ابتدا رخداد صورت می‌گیرد، در ادامه رسانه‌ها خبر این رخداد را منتشر و از طریق توسعه و تعمیق جوانب خبر، آن را تبدیل به روند خبری می‌کنند و با فعال کردن گسل‌ها و تحریک افراد و تحریف وقایع، سعی می‌کنند این روند جنگ روانی را به کنش میدانی تبدیل کنند. تحلیل شیوه‌ها و اهداف جریان‌های رسانه‌ای مختلف، موضوعی است که در فرصتی مناسب به تفصیل مورد بررسی و واکاوی قرار خواهد گرفت و در اینجا به آن مستقلاً پرداخته نمی‌شود، بلکه در این گزارش به طور جزئی به بررسی و بازخوانی عملکرد چند رسانه داخلی پیرامون اغتشاشات اخیر پرداخته می‌شود.

بخشی از بدنه جریان موسوم به اصلاح‌طلبی هر چند خود را جریانی داخلی و دلسوز انقلاب معرفی می‌کند اما در اکثر مقاطع از جمله بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز ظرفیت‌های سیاسی -رسانه‌ای خود را خلاف جریان انقلاب اسلامی به کار می‌گیرد و همسو با گروه‌های معاند با انقلاب عمل می‌کند. طیف رادیکال اصلاح‌طلب که در ادوار قبل، عمدتاً در حزب منحله «مشارکت» تجمیع و تعریف می‌شد، یکی از اصلی‌ترین گروه‌ها و جریان‌هایی است که با استفاده از امکانات رسمی کشور در مقاطع مختلف هزینه‌های جبران‌ناپذیری به انقلاب تحمیل کرده است؛ از اغتشاشات موسوم به ۱۸ تیر ۷۸ تا فتنه تقلب در سال ۸۸ و...

■ امتداد آشوب

تحلیل جریان‌شناختی و هدف‌شناختی طیف چپ اصلاحات نیازمند تألیفی مستقل است و در اینجا صرفاً مواردی که به موضوع این نوشتار - یعنی بازخوانی عملیات رسانه‌ای این جریان - مرتبطند مورد بازبینی قرار می‌گیرند. یکی از اقدامات رسانه‌ای مخرب در همان ساعات اولیه انتشار خبر فوت مهسا امینی، مصاحبه با پدر این خانم توسط وب سایت «امتداد» وابسته به حزب اتحاد ملت (مشارکت سابق) بود که در آن مطالبی عنوان شد که بعداً کذب آنها معلوم شد اما این روشن شدن‌ها تقریباً فایده‌ای نداشت، چرا که به لطف انعکاس چنین تصاویری از ماجرا، روایت رسانه‌های فارسی‌زبان ضد انقلاب خارج‌نشین تا آن موقع جاافتاده و باورپذیر شده بود.

در متنی که وب سایت «امتداد» به نقل از پدر خانم امینی منتشر کرد، آمده است: «امجد امینی، پدر مهسا امینی در گفت‌وگویی با امتداد، ضمن اشاره به این ابهامات، اظهار داشت: در حالی که از سوی برخی مقامات، مسائلی درباره ابتلای دخترم به بیماری‌های زمینه‌ای مطرح شده، شخصا باز هم این اظهارات را بشدت تکذیب می‌کنم. دختر من، هیچ بیماری و مشکل جسمی، مگر در حد یک سرماخوردگی ساده در عمر خود نداشت. دخترم ۲۲ سال سن داشته و حتی ورزشکار هم بوده و اینها همه حرف‌های الکی می‌زنند. به خدا دخترم هیچ مشکل جسمی نداشت در این ۲۲ سال. مگر سرماخوردگی ساده، آن هم خیلی کم، شاید باعث رفتنش به درمانگاه شده باشد. همه این حرف‌ها دروغ است. به خدا دخترم در زندگی خود هیچ مشکلی نداشت. در ماجرای تدفین هم می‌خواستند شبانه او را دفن کنند و من اجازه ندادم. می‌خواستند دخترم را همین‌طور شبانه دفن کنند و هیچ‌کس هم مطلع نشود. من اجازه نداده و گفتم به هر حال، من هم خانواده، فامیل و کس و کار دارم و به هزار بدبختی قانع‌شان کردیم که تدفین در همان ساعت صبح برگزار شود».

این مصاحبه که مملو از انگاره‌های مشکوک، اثبات نشده و کذب بود، بلافاصله تبدیل به یکی از محمل‌های اصلی خبری جریان ضدانقلاب شد به طوری که تصویرپردازی خود را براساس آن تداوم بخشیدند. بدیهی است این اقدام «امتداد» را نباید تنها عملیات روانی طیف چپ اصلاحات پیرامون این رخداد دانست، بلکه مصادیق متعددی وجود دارد که به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

■ تحریف‌های خس و خاشاکی!

سخنرانی رئیس‌جمهور در دانشگاه الزهرا نیز رخداد دیگری بود که در انتشار آن، هماهنگی و همسویی - خواسته یا ناخواسته - کانال‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلب با رسانه‌های دشمن را می‌شد تشخیص داد. حجت‌الاسلام رئیسی در این سخنرانی، خطاب به دشمنان ملت ایران، شعری از حافظ (ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست) را خواند؛ در صورتی که کانال‌هایی همچون «اصلاحات نیوز» و «ایران تایمز» در کنار اینترنشنال سعودی، «معترضان» را مخاطب شعر رئیس‌جمهور عنوان کردند و تیتر زدند: «ابراهیم رئیسی خطاب به معترضان: ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توستر/ عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری»!

ادامه در صفحه ۶